



T. M . U.

Language Related Research
E-ISSN: 2383-0816
Vol.11, No.4 (Tome 58),
September, October & November 2020



The Participles of the Russian Language in the Mirror of the Persian Language

Saeedeh Dastamooz*

Assistant Professor, Department of Russian Language, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran

Abstract

The present investigation has been tried to study participles in the structure of the Russian sentences, the current translations and although it has been provided approaches for accurate matching this category of the grammatical area in the Persian Language. In this study, the constructive method, analysis of examples and translations have been used. Regarding examining the hypothesis that the syntactic role of participles of the Russian language could be effective for correct interpreting of this case in the Persian language, 90 sentences including participles have randomly selected from novels interpreted from Russian into Persian. For instance; Home of the Gentry by Turgenev, War, and Peace by Leo Tolstoy and The Government Inspector by Nikolai Gogol were picked and the procedure of the translating was assessed, finally, the equivalents considered for the participles were examined. The principal hypothesis for the research is: could the participle, as a unit of translation in the Russian text, find a suitable equivalent among the linguistic units of the Persian language? Whether the provided translations reflect the exact meaning of the adjective verbs in the Russian language? What is the solution? The history of linguistic research in the field of the Russian language proves that the question of the lexical and grammatical characteristics of participles was very controversial. The existence or absence of this grammatical category in Persian also raises

Received: 25/10/2019
Accepted: 18/01/2020

* Corresponding Author's
E-mail:
s.dastamooz@alzahra.ac.ir



T. M .U.

Language Related Research
E-ISSN: 2383-0816
Vol.11, No.4 (Tome 58),
September, October & November 2020



many questions, and a lot of research has been done in these areas. Despite the research done, there are still many problems in this area. The novelty of this study lies in the fact that for the first time it considers the Russian participle a translation unit when translated from Russian into Persian. Taking into account the basic rules include translating from Russian into Persian, further we will check the correctness of the hypothesis and proposals of our research. Some scholars believe that each of the morphological and syntactic structures used in the original language is an individual style of the author, and if we intend to make an original and correct translation, we must preserve the morphological and syntactic structure of the original text. In this study, it is assumed that the participle in Russian can be considered a unit of translation into Persian, and the translator can take into account the syntactic role of the participle in the sentence and choose a logical approach for its accurate translation. Based on the basic needs of translation, the following suggestions are provided for translating Russian language participles into Persian:

- 1.If we have the participial constructions in a Russian sentence, to translate it into Persian we must use an explanatory dependent sentence with the conjunction "که";
- 2.If a participle precedes a noun and serves a descriptive role, it must be translated using the adjective or adjectival phrases or the adjectives formed based on verbs;
- 3.In order to translate the substantive participles of the Russian language into Persian, we must use Persian nouns.
- 4.In order to translate a participle that has a propositional role, we must use a conjugated Persian verb.

Of the 90 examples reviewed, translation of 46 sentences matched the hypothesis of our study; however, in the translation of 44 cases, either the participle was not translated at all, or there was no exact equivalent for it, or



T. M. U.

Language Related Research

E-ISSN: 2383-0816

Vol.11, No.4 (Tome 58),

September, October & November 2020



words that do not exist in the original text were used to convey the meaning of the participle. Consideration of the research hypothesis showed that in the examples there are cases when their translation corresponded to the research hypothesis, and cases when the proposed rule was not used to translate them. We considered these cases and the possibility of correcting them using the hypothesis of our research. For example this Russian sentence «*Это топор, зажаренный вместо говядины*» is passive, but for its translation in Persian was used active sentence «به-جای گوشت گاو، تبر پخته-اید (بازرس)». Because of this, the structure and atmosphere of the Russian and Persian sentences are different. The proposed translation, corresponding to the hypothesis of our research, is as follows: «این تبری است که به-جای گوشت گاو، سرخ شده». Obviously, using these two sentences in conversational situations will have different consequences for listeners. Whereas the translation should be provoked a reaction similar to the original text. In this Russian sentence:

«Без сомнения, проезжающий чиновник захочет, прежде всего, осмотреть подведомственные вам богоугодные заведения.» equivalent to the composition «*проезжающий чиновник*» was choose «مأموری که می-آید» can be replaced by a descriptive combination according to the research hypothesis «مأمور در حال عبور». We will have:

«بدون شک، مأمور در حال عبور، قبل از هر چیز تمایل به بازدید از مؤسسات خیریه زیر نظر شما را خواهد داشت.»

The participle was made of the verb «*проезжать*», and the concept of passing, which is at the root of the verb, must be reflected in the translation of the participle. An analysis of existing translations and a review of the translatability of examples in accordance with the hypothesis of our study confirms the effectiveness of this hypothesis in choosing equivalents for various types of participles in Russian. The participles of the Russian language can be considered as a unit of translation into Persian.

By defining the syntactic role of participles and using the hypothesis



T. M . U.

Language Related Research
E-ISSN: 2383-0816
Vol.11, No.4 (Tome 58),
September, October & November 2020



presented from this study to translate different types of participles, a step can be taken to standardize the translation of participles. In addition, it is possible to use the achievements of this research in machine and electronic translation.

Keywords: Participles, Syntactic Role, Equivalence, Translation Unit, Russian Language, Persian Language





دوماهنامه علمی - پژوهشی

د ۱۱، ش ۴ (پیاپی ۵۸)، مهر و آبان ۱۳۹۹، صص ۱۵۳-۱۸۱

صفت‌های فعلی زبان روسی در آینهٔ زبان فارسی

سعیده دست‌آموز*

استادیار گروه زبان روسی دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

پذیرش: ۹۸/۱۰/۲۸

دریافت: ۹۸/۰۸/۰۳

چکیده

در این پژوهش سعی بر آن است تا با بررسی صفت فعلی در ساختار جملات روسی و ترجمه‌های موجود، راهکارهایی برای معادلیابی دقیق این مقولهٔ دستوری، به زبان فارسی ارائه شود. در این جستار که با استفاده از شیوهٔ تحقیق مقابله‌ای و آنالیز مثال‌ها و ترجمه‌ها انجام شده است، با هدف آزمودن این فرضیه که نقش نحوی صفت فعلی زبان روسی در معادلیابی درست این مقولهٔ دستوری در زبان فارسی می‌تواند مؤثر باشد، ۹۰ جمله دارای صفت فعلی به‌طور تصادفی از ترجمه‌های آثاری نظیر *آشیانه اشرف ایوان* تورگنوف، *جنگ و صلح* لف تولستوی و *بازرس نیکولای گوگول* انتخاب شده است و معادل‌هایی که برای صفت فعلی در زبان فارسی در نظر گرفته شده‌اند، با رویکرد نقش‌محور بررسی شده‌اند. پرسش اصلی تحقیق این است: آیا صفات فعلی می‌توانند یک واحد حداقلی برای ترجمه در متن مبدأ باشند و با واحدهای مستقل زبانی در زبان فارسی معادلیابی شوند؟ آیا ترجمه‌های ارائه‌شده مفهوم دقیق صفت‌های فعلی زبان روسی را منعکس می‌کنند؟ راه حل چیست؟ نتایج پژوهش حاکی از آن است که در ترجمه‌های موجود رویهٔ یکسانی برای معادلیابی این مقولهٔ دستوری اتخاذ نشده است و معادل‌ها دارای دقت کافی نیستند. بنابراین، پیشنهاد پژوهش حاضر می‌تواند برای معادلیابی دقیق صفات فعلی در زبان روسی به‌منزلهٔ یک واحد ترجمه، کارآمد باشد. از دستاوردهای پژوهش حاضر می‌توان در ترجمه‌های ماشینی و الکترونیکی استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: صفت فعلی، نقش نحوی، معادلیابی، واحد ترجمه، زبان روسی، زبان فارسی.

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر در علم زبان‌شناسی توجه زیادی به تعامل بین زبان‌های گوناگون^۱ و تحقیقات

مقابله‌ای^۲ می‌پذیرد شده است. به عقیده بسیاری از زبان‌شناسان تحقیقات مقابله‌ای به ما کمک می‌کنند تا به ماهیت فرایندهای زبانی پی ببریم و قوانین و قواعد بین آنها را کشف کنیم. از سوی دیگر، تحقیقات مقابله‌ای با هدف آموزش ترجمه در حل بسیاری از مشکلات آموزش زبان خارجی مؤثر خواهد بود.

بسیاری از دانشمندان و پژوهشگران حوزه تئوری ترجمه، بر این باورند که از آنجا که ترجمه به مفهوم کار بر روی زبان است، نیازمند بیشترین مطالعات زبان‌شناختی است، به این مفهوم که باید ارتباط بین دو زبان و ابزارهای سبک‌شناختی آنها مشخص شود و ترجمه‌پذیری متقابل بررسی شود. از سوی دیگر، همان گونه که در زبان‌شناسی، مفهومی به نام واحدهای زبانی^۳ وجود دارد، در ترجمه نیز مفهومی به نام واحدهای ترجمه^۴ تعریف شده است.

در این پژوهش که با هدف معادل‌یابی دقیق برای صفت‌های فعلی زبان روسی به زبان فارسی انجام گرفته از شیوه تحقیق مقابله‌ای و آنالیز مثال‌ها و ترجمه‌ها استفاده شده است. پرسش‌های اصلی پژوهش به این شرح‌اند: آیا صفات فعلی زبان روسی می‌توانند یک واحد حداقلی برای ترجمه در متن مبدأ در نظر بگیرند و با واحدهای مستقل در زبان فارسی معادل‌یابی شوند؟ آیا ترجمه‌های ارائه‌شده در آثار، از زبان روسی به زبان فارسی مفهوم دقیق صفت‌های فعلی زبان روسی را منعکس می‌کنند؟ راه حل چیست؟

این فرضیه مطرح است که صفت فعلی زبان روسی می‌تواند به‌منزله یک واحد ترجمه به زبان فارسی در نظر گرفته شود و مترجم می‌تواند با توجه به نقش نحوی صفت فعلی در جمله رویکردی قانونمند برای معادل‌یابی دقیق آن اتخاذ کند.

۲. پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های زبانی همواره رابطه میان ترجمه و زبان‌شناسی، زبان‌شناسی مقابله‌ای و نقش آن در فرایند آموزش زبان مورد بحث بوده است (Eщенко и др., 2018; Тарасова, 2011; Гарбовский, 2007; Федоров, 1983). یاکوبسن نیز از نقش اثرگذار ترجمه بر زبان‌شناسی، سخن به‌میان آورده و از آن به‌منزله یکی از ابزارهای مربوط به تحلیل‌های زبان‌شناسی یاد کرده

است. او معتقد است که معادل بودن^۵ در عین داشتن تفاوت، مشکل اصلی زبان و مشکل تعیین‌کننده زبان‌شناسی است و هر گونه مقایسه بین دو زبان به بررسی ترجمه‌پذیری متقابل بین آن‌ها نیاز دارد (Якобсон, 1985: 18). بر اساس همین نظریه^۶ یا کوبسن گفته شده است که ترجمه‌پذیری متقابل^۷ به‌منزله^۸ یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مربوط به هر دو جفت زبان، پایه^۹ متدیک تحلیل‌های زبان‌شناختی بین‌زبانی محسوب می‌شود (Гарбовский, 2007: 184). به اعتقاد فیدورف - که یکی از بنیان‌گذاران تئوری زبان‌شناختی ترجمه در روسیه است - مهم‌ترین موضوع در حوزه تئوری ترجمه رابطه بین متن اصلی و ترجمه و توجه به تفاوت فرم‌هایی است که در موقعیت‌های خاص نیاز به توضیح و تبیین دارند (ibid: 207). به اعتقاد زبان‌شناس روسی برخوداروف، مهم‌ترین مسئله‌ای که پیش روی مترجم در فرایند ترجمه قرار دارد، جست‌وجوی واحدهای حداقلی برای ترجمه در متن مبدأ^{۱۰} است (Бархударов, 1975:174).

تاریخچه مطالعات زبان‌شناسی در حوزه زبان روسی نشان از آن دارد که مسئله مربوط به ماهیت واژه‌شناختی - دستوری صفت فعلی^{۱۱} بسیار بحث‌برانگیز بوده است. صفات فعلی دارای ویژگی‌های صفت و فعل هستند. به همین دلیل، برخی از دانشمندان نظیر بولاخوفسکی و بوسلایف، آن‌ها را صفات مشتق‌شده از افعال^{۱۲} می‌نامیدند و برخی دیگر نظیر ویناگرادف آن‌ها را فرم هیبریدی فعلی - صفتی^{۱۳} محسوب می‌کردند (Адамчик, 2011: 484 - 492). در بسیاری از کتاب‌های آموزشی به‌ویژه *دستور زبان روسی*، ۱۹۸۰، صفت فعلی به‌صورت فرمی از فعل بررسی شده است (Осипова, 2010: 121-127; Валгина, 2001: 250; Розенталь, 1967: 304; Пулькина, 1975: 294) و در دیدگاهی دیگر - که شانسکی و تیخونوف طرفداران آن هستند - صفت فعلی گروه جداگانه‌ای از اقسام کلام^{۱۴} است و زیرمجموعه افعال و یا صفات محسوب نمی‌شود (Осипова, 2010: 121).

از سوی دیگر، در تعریف این مقوله دستوری در فرهنگ‌های روسی نیز تفاوت دیدگاه‌ها در تعیین ماهیت صفات فعلی و تعریف آن‌ها وجود دارد. برای مثال، آخمانوا در *فرهنگ اصطلاحات زبان‌شناسی* از صفت فعلی در زبان روسی به‌منزله^{۱۵} شکل اسم‌شده فعل^{۱۶} یاد می‌کند که شبیه صفات صرف می‌شوند و بیانگر عمل، حالت یا فرایندی هستند که به یک شخص یا چیز نسبت داده می‌شوند و ویژگی‌های آن را در بستر زمان نشان می‌دهند (Ахманова, 2010: 363). این در حالی است که اوژگوف در *فرهنگ تفسیری خود صفت فعلی* را فرم فعلی خوانده است: «صفت

فعلی فرم فعلی است. کلمه‌ای است که همراه با ویژگی‌های فعل (زمان، جهت فعل^{۱۳}، نمود فعل^{۱۴}) ویژگی‌های صفت (جنس، صرف) را نیز داراست» (Ожегов, 2010: 488).

میلاسلاوسکی از صفت فعلی به‌منزله فرم غیرشخصی فعل^{۱۵} یاد می‌کند و معتقد است که صفت فعلی سبب ایجاد پدیده‌ای در سیستم صرفی زبان روسی می‌شود که شباهت زیادی به زبان‌های پیوندی^{۱۶} دارد؛ اما در واقع، پدیده التصاقی بودن^{۱۷} - که در صفات فعلی زبان روسی بروز کرده است - ویژگی خاص خود را دارد. هر یک از پسوندهایی که به صفات فعلی مربوط می‌شوند، معانی دستوری بی‌شماری دارند، این در حالی است که در زبان‌های پیوندی، پسوندها یک معنی را بیان می‌کنند (Милославский, 1981: 233).

اگر بخواهیم به صفت فعلی به‌منزله یک واحد ترجمه از زبان روسی به زبان فارسی بپردازیم، در ابتدا باید وجود صفت فعلی در زبان فارسی را بررسی کنیم. مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته نشان دادند که در زبان فارسی اجزای مشتق شده از فعل بر اساس نقش دستوری که می‌پذیرند، نام‌گذاری شده‌اند. برای مثال، پرویز نائل خانلری (۱۳۸۸: ۱۷۵) در کتاب *دستور زبان فارسی*، اجزای مشتق از فعل را که در ساخت برخی از کلمات فارسی به‌کار می‌روند، به ۳ دسته تقسیم می‌کند: ۱. صفت فاعلی که آخر آن پسوند «نده» است، مثل واژه شکننده، ۲. صفت مفعولی که آخر آن «ه» است، مانند واژه شکسته و ۳. مصدر بریده از بن ماضی، مانند واژه شکست بررسی‌ها نشان دادند، بیشترین پژوهش‌ها در خصوص مشتقات فعلی، در حوزه صفات مفعولی زبان فارسی صورت گرفته‌اند (قریب و همکاران، ۱۳۸۰: ۵۱ - ۵۲؛ غفاریان جمعه‌پور، ۱۳۸۳). وحیدیان کامکار معتقد است تمامی صورت‌های موسوم به صفت مفعولی، در واقع، صفت مفعولی نیستند به‌منزله مثال واژگانی نظیر «رفته، نشسته، رسیده» از نظر او صفت فاعلی‌اند، منتها عملی را بیان می‌کنند که در زمان گذشته صورت گرفته است (همان: ۴۵). یوری روبینچیک^{۱۸}، زبان‌شناس روسی، که پژوهش‌های گسترده در حوزه زبان فارسی انجام داده است و کتاب *ارزشمند دستور زبان فارسی معیار* را در سال ۲۰۰۱ به زبان روسی تألیف کرده است، اعتقاد دارد: «صفت فعلی زبان فارسی یکی از بحث‌برانگیزترین و پیچیده‌ترین پدیده‌های زبان است و با بسیاری از انواع واژگان ویژگی‌های مشترک دارد» (2001: 269). وی اصطلاح صفت فعلی را برای کلمات مشتق-

شده از فعل استفاده می‌کند. یوری روبینچیک صفات فعلی زبان فارسی را به سه دسته صفات فعلی زمان گذشته، صفات فعلی زمان حال و صفات فعلی التزامی تقسیم می‌کند. به عقیده او در زبان فارسی صفات فعلی زمان حال با «نده»، «ان» و با «ا» ساخته می‌شوند، مثل رونده، روان و روا. صفات فعلی زمان گذشته با «ه» ساخته می‌شود، مثل رفته و صفات فعلی التزامی با «ی» ساخته می‌شوند، مثل رفتنی.

او اضافه می‌کند که تمامی این صفات فعلی در زبان فارسی معیار متداول نیستند و از بعضی از افعال نیز ساخته نمی‌شوند (Рубинчик, 2001: 269-289).

از سوی دیگر، صفت فعلی روسی در ایران موضوع پژوهش برخی از زبان‌شناسان و استادان زبان روسی قرار گرفته است. لسانی (۱۳۸۲: ۵) برای نخستین بار در سال ۱۳۸۲ در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه صفات فعلی فاعلی و مفعولی در زبان فارسی و روسی» به بررسی تطبیقی این مقوله‌های دستوری در دو زبان فارسی و روسی پرداخته است. سیفی در سال ۱۳۸۴ در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «عبارات صفات فعلی روسی و مشکلات بیان آن‌ها در زبان فارسی»، تنها عبارات صفات فعلی روسی را مطالعه کرده است. سیفی (۱۳۸۴: ۵) در مطالعات خود از مطابقت داشتن جملات مرکب با حرف ربط КОТОРЫЙ با جملات روسی که در ساختار خود دارای عبارت صفت فعلی هستند، سخن به میان آورده است و به موضوع وجود جملائی با حرف ربط (که) در زبان فارسی اشاره کرده است.

ولی‌پور (۱۳۸۳: ۲) در مقاله‌ای با عنوان «اهمیت تطبیق معنایی و ساختاری کلمات در هنگام ترجمه و تألیف فرهنگ لغت» به این نکته اشاره کرده است که صفت فعلی و قید فعلی چون از مشتقات فعل هستند مدخل جداگانه‌ای در لغت‌نامه‌های روسی ندارند و آن‌ها را زیرمجموعه فعل دانسته است.

احمدی و شیخی (۱۳۸۷: ۱۷) نیز در پژوهش خود به بررسی ترکیب‌های فعلی زبان روسی از نوع «صفت فعلی + اسم/ ضمیر با حرف اضافه یا بدون آن» خارج از جمله و متن پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند که این نوع ترکیب‌ها بیشتر به صورت «اسم + اسم»، «صفت + اسم»، «اسم مفعول + اسم» و یا حتی به صورت «اسم فاعل» به زبان فارسی بیان می‌شوند؛ اما ترکیب‌های فعلی از نوع «صفت فعلی + مصدر»، «صفت فعلی + قید» در بیشتر موارد در زبان فارسی در سطح ترکیب واژه بیان نمی‌شوند و ترجمه‌های فارسی آن‌ها به‌طور کلی ترکیب واژه نیستند؛ بلکه

جزئی از یک جمله مرکب هستند. زهرایی (۱۳۹۳: ۴۱۹) معتقد است آنچه در زبان روسی صفت فعلی نامیده می‌شود، در زبان فارسی معادل ندارد و صفات فعلی روسی در زبان فارسی، عمدتاً به کمک جمله‌های پیرو در ساختار جمله‌های مرکب وابسته و همچنین، به کمک صفات مفعولی ترجمه می‌شوند. در خارج از ایران یک دانشجوی دکتری آذربایجانی به نام رستموا در سال ۱۹۸۹ مسئله ویژگی‌های واژگانی - دستوری صفات فعلی و قیود فعلی را در زبان فارسی و آذربایجانی بررسی کرد. به اعتقاد او صفت فعلی در زبان فارسی از طریق فرایند اسم شدن، صفت شدن و قید شدن وارد اقسام دیگر کلام شده است. بنابراین، می‌توان از بین آن‌ها معادل‌هایی برای صفات فعلی روسی انتخاب کرد. (Рустамова, 1989: 12). الکساندروا و بلوخینا در نتایج مطالعات خود درخصوص ترجمه صفت فعلی به این نتیجه رسیدند که مترجم موظف است عناصر گرامری، لغوی و مفهومی صفت فعلی را از زبان اصلی به زبان مقصد منتقل کند (Александрова & Блохина, 2016: 2).

با وجود پژوهش‌های انجام‌شده هنوز هم درک و ترجمه صحیح ساختارهای نحوی با صفت فعلی مشکلات بسیاری وجود دارد. نوآوری پژوهش حاضر بررسی صفت فعلی در ساختارهای نحوی زبان روسی به‌منزله یک واحد ترجمه به زبان فارسی است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

توجه و پای‌بندی به صورت و ساختار زبان مقصد از وظایف اولیه هر مترجم است؛ اما به این معنی که مترجم باید نزدیک‌ترین صورت به صورت اصلی را در زبان مقصد انتخاب کند تا از این طریق بتواند بهترین و نزدیک‌ترین معادل متن اصلی را در زبان مقصد ارائه دهد (منافی اناری، ۱۳۸۳: ۶۶ - ۷۰). با وجود این، به‌الدین خرمشاهی در کتاب *ترجمه‌کاوی درخصوص تأثیر دستور زبان در ترجمه*، می‌نویسد: «عمده‌ترین عامل برای پدید آمدن بوی ترجمه، غفلت از نحو زبان مقصد و مقهور نحو زبان مبدا شدن است» (۱۳۹۰: ۱۴۵). الکساندرا و بلوخینا (2016: 4) نیز معتقدند که برخی ساختارها در زبان وجود دارد که در زبان دیگری نیست و بدون نادیده گرفتن این ساختارهای گرامری، حفظ معنای متن با مشکل روبه‌رو خواهد بود و اگر مترجم به

ساختارهای گرامری زبان‌های مختلف توجه نکند و ساختار زبانی را به زبان دیگر تحمیل کند، آنگاه ترجمه تحت‌اللفظی، غیراصولی و گنگ خواهد بود این همان نقص ساختاری است که سبب می‌شود مترجمان از اقتباس^{۱۹} استفاده کنند (مرادی‌مقدم و قنسولی، ۱۳۹۱: ۲۲۰). از سوی دیگر، برخی از پژوهشگران معتقدند هر کدام از ساختارهای صرفی و نحوی که در زبان مبدأ به‌کار رفته سبک نویسنده بوده است و اگر بخواهیم ترجمه باصالتی انجام دهیم باید به ساختارهای صرفی و نحوی متن مبدأ وفادار باشیم. برای مثال، استفاده از ساختارهای مجهول در متن مبدأ به دلیل پنهان‌سازی اطلاعات است. اگر مترجم از ساختارهای معلوم در ترجمه استفاده کند، نگرش خاص خود را به خوانندگان تحمیل کرده است (امیر شجاعی و قریشی، ۱۳۹۵: ۲۳۰). بنابراین، تغییر ساختار زبان مبدأ به وسیله مترجم حتماً باید دلیل خوب و قانع‌کننده‌ای داشته باشد. اگر بتوان معنای یک جمله را با همان ابزارهای زبانی زبان مبدأ منتقل کرد، بهترین کار همان ساخت مبدأ است. مترجم بد کسی است که بدون هیچ دلیل خاصی دست به تغییرات ساختاری و واژگانی می‌زند (گوهری، ۱۳۹۲: ۲۰۸).

به‌صورت کلی چهار نیاز اصلی ترجمه عبارت‌اند از ۱. ساخت معنا، ۲. انتقال روح و حالت متن اصلی، ۳. دارا بودن صورت طبیعی و ساده از عبارات و ۴. ایجاد واکنش مشابه (ماندی، ۱۳۸۹: ۹۹).

با در نظر گرفتن نیازهای اصلی ترجمه در ادامه به تبیین فرضیه و پیشنهادات پژوهش خواهیم پرداخت و درستی آن‌ها را بررسی خواهیم کرد.

۴. تبیین فرضیه و پیشنهادات پژوهش

همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد، در پژوهش حاضر این فرضیه مطرح است که صفت فعلی زبان روسی می‌تواند به‌منزله یک واحد ترجمه به زبان فارسی در نظر گرفته شود و مترجم می‌تواند با توجه به نقش نحوی صفت فعلی در جمله، رویکردی قانونمند برای معادل‌یابی دقیق آن اتخاذ کند. بر اساس رعایت نیازهای اصلی ترجمه، پیشنهادهایی که آورده می‌شود، برای ترجمه صفات فعلی زبان روسی به زبان فارسی ارائه می‌شود:

۱. اگر در جمله روسی عبارت صفت فعلی^{۲۰} داشته باشیم، برای ترجمه آن به فارسی باید از جمله وابسته توضیحی با حرف ربط «که» استفاده کنیم.

۲. اگر صفت فعلی قبل از اسم قرار گرفته و نقش وصفی داشته باشد، باید آن را با استفاده از صفت یا ترکیب وصفی و یا وجه وصفی فعل ترجمه کرد.
۳. برای ترجمه صفات فعلی اسم‌شده^{۱۱} زبان روسی باید از اسامی در زبان فارسی استفاده کنیم.
۴. برای ترجمه صفات فعلی که نقش گزاره‌ای دارند، در زبان فارسی باید از فعل صرف‌شده استفاده کنیم.
- در ادامه، به بررسی پیشنهادات ارائه‌شده خواهیم پرداخت.

۵. بررسی پیشنهادات و فرضیه پژوهش

برای آزمون درستی پیشنهادات ارائه‌شده در مطالب ذکرشده، ۹۰ مثال از ترجمه‌های آثاری نظیری *آشیانه اشرف ایوان تورگنوف، جنگ و صلح* لف تولستوی و *بازرس نیکولای گوگول* را انتخاب کرده‌ایم و به بررسی روند ترجمه صفات فعلی در آن‌ها پرداختیم. از ۹۰ مثال بررسی‌شده، ترجمه ۴۶ جمله با پیشنهاد پژوهش مطابقت داشت؛ اما در ترجمه ۴۴ مورد از مثال‌ها یا صفت فعلی اصلاً ترجمه نشده و یا معادل‌یابی دقیقی برای آن صورت نگرفته و یا برای انتقال مفهوم صفت فعلی از واژگانی استفاده شده است که در متن مبدأ موجود نیست. در ادامه، به بررسی پاره‌ای از این مثال‌ها می‌پردازیم و درستی پیشنهادات ارائه‌شده در زمینه ترجمه صفت فعلی از زبان روسی به زبان فارسی را بررسی می‌کنیم. در تمامی مثال‌ها، صفت فعلی پررنگ‌تر از کلمات دیگر جمله و با یک خط که زیر آن کشیده شده از سایر اجزای جمله متمایز شده است. در تمامی مثال‌ها، زیر اسم مرجعی که صفت فعلی با آن ارتباط پیدا می‌کند، دو خط کشیده شده است.

۵-۱. بررسی پیشنهاد پژوهش در جملات با عبارت صفت فعلی

طبق پیشنهاد پژوهش، اگر در جمله‌ای عبارت صفت فعلی وجود داشته باشد، در ترجمه آن به فارسی باید از جمله وابسته توضیحی با حرف ربط «که» استفاده کنیم. جملاتی که آورده می‌شود، نمونه‌هایی هستند که در آن‌ها برای ترجمه عبارت صفت فعلی از جمله وابسته توضیحی با حرف ربط «که» استفاده شده است.

Старушка, сидевшая с Марьей Дмитриевной под окошком, была та самая тетка, сестра ее отца, с которой она провела некогда несколько уединенных лет в Покровском.

بیرزنی که همراه ماریا دمتریونا زیر پنجره نشسته بود، همان عمه‌ای بود که ماریا دمتریونا زمانی چندسالی را در خلوت پاکروفسکویه با او سپری کرده بود (آشیانه اشراف).

Глаза Лизы, прямо на него устремленные, выражали неудовольствие; در چشمان لیزاکه مستقیم به پانشین دوخته شده بود، روی از نارضایتی دیده می‌شد (همان)

Что же до унтер-офицерской вдовы, занимающейся купечеством, которую я будто бы высек, то это клевета, ей-богу клевета.

در مورد آن بیوه درجه‌دار هم که خرید و فروش می‌کند و می‌گویند گویا من شلاق زده‌ام،

افتراست، خدا شاهد است افتراست (بازرس).

در بررسی‌ها با نمونه‌هایی برخورد کردیم که در آن‌ها برای ترجمه عبارت صفت فعلی از قاعده پیشنهادی استفاده نشده بود. در ادامه، به بررسی این جملات و امکان اصلاح آن‌ها با استفاده از پیشنهاد پژوهش می‌پردازیم.

Или же: «вот, мол, пришли по почте деньги, неизвестно кому принадлежащие».

یا بگویم پولی به اداره پست رسیده و معلوم نیست مال کیست (همان)

Грипп был тогда новое слово, употреблявшееся только редкими.

آن روزها گریپ واژه تازه‌ای بود و جز معدودی از خواص آن را بر زبان نمی‌آوردند (جنگ

و صلح).

در ترجمه این دو مثالی که ذکر شد اگر از حرف ربط «که» به جای حرف ربط همپایگی «و» استفاده کنیم، ترجمه دقیق‌تر خواهد شد: «پولی به اداره پست رسید که معلوم نیست مال کیست» و «گریپ واژه تازه‌ای بود که جز معدودی از خواص آن را بر زبان نمی‌آوردند». در خصوص تفاوت کاربردی «و» و «که» به حق‌شناس و همکاران نگاه شود (۱۳۸۷: ۱۸۷ - ۱۹۰).

Еще несколько гостей, подходящих к ручкам.

باز هم چند مهمان برای بوسیدن دست خانم‌ها از راه می‌رسند (بازرس).

در این ترجمه حرف اضافه «برای» و کلمه «بوسیدن» به متن اصلی اضافه شده است. اگر طبق پیشنهاد پژوهش از جمله وابسته توضیحی با حرف ربط «که» استفاده کنیم، ترجمه دقیق‌تر خواهد بود و نیازی به اضافه کردن کلمات خارج از متن مبدأ نخواهد بود. همچنین، سبک نویسنده اثر و

فضاسازی‌ای که انجام داده است، حفظ می‌شود. خواهیم داشت: (باز چند مهمان که به دست‌های کوچک نزدیک می‌شوند).

За ним Коробкин, обратившийся к зрителям с прищуренным глазом и едким намеком на городничего;

پشت سر او، کاروبکین با چشمان بسته و اشاره‌ای بارز به شهردار، رو به تماشاچیان ایستاده است (همان).

در ترجمه این جمله از فعل «ایستاده است» استفاده شده که در متن مبدأ وجود ندارد، در صورتی که می‌توان با استفاده از پیشنهاد پژوهش بدون آنکه کلمه‌ای به متن مبدأ اضافه کنیم ترجمه را انجام دهیم: «پشت سر او کاروبکین است که با چشمان بسته و اشاره‌ای بارز به شهردار، رو به تماشاگران دارد».

Так говорила в июле 1805 года известная Анна Павловна Шерер, фрейлина и приближенная императрицы Марии Феодоровны, встречая важного и чиновного князя Василия, первого приехавшего на ее вечер, با این سخنان، آنا پاولونا شرر معروف که ندیمه و از محارم ملکه مادر، ماریا فیودوونا بود، در ژوئیه ۱۸۰۵ بر سبیل خوشامدگویی از پرنس واسیلی - که مردی متشخص و بلندپایه و نخستین مهمان مجلسش بود - استقبال کرد (جنگ و صلح).

ترجمه فارسی روان نبوده است و به متن مبدأ پای‌بند نیست و اما ترجمه با استفاده از پیشنهاد پژوهش:

«آنا پاولونا شرر معروف، ندیمه و از محارم ملکه ماریا فیودورونا، در ژوئن ۱۸۰۵ هنگام دیدار پرنس واسیلی متشخص و بلندپایه - که پیش از همه به میهمانی او آمده بود - این چنین گفت».

... она, чтобы не обмануть ожиданий людей, знавших ее, делалась энтузиасткой.

... به منظور آنکه خلاف انتظار آشنایان رفتار نکند، همچنان از خود شور و شوق نشان می‌داد (همان).

در اینجا برای ترجمه людей, знавших ее به جای معادل «آشنایان» می‌توان از معادل

«افرادی که او را می‌شناختند» استفاده کرد. بدیهی است که معنی واژه «آشنایان» با «افرادی که او را می‌شناختند» یکسان نیست. کاربرد واژه «آشنایان» در صورتی صحیح است که رابطه شناخت دوطرفه باشد و معادل روسی آن واژه «знакомые» است؛ ولی در «افرادی که او را می‌شناختند» ممکن است او این افراد را نشناسد. بنابراین، انتخاب معادل در حفظ مفاهیم متن مبدأ بسیار اهمیت دارد.

Сверху доносились слабые звуки гамм, разыгрываемых неверными пальчиками Леночки.

از بالا صدای ضعیف تمرین گام‌های پیانو با انگشتان نامطمئن لنوچکا به گوش می‌رسید (آشیانه اشراف).

اگر ترجمه بر اساس پیشنهاد پژوهش انجام شود، انطباق بیشتری با متن روسی خواهد داشت و گویاتر و روان‌تر خواهد بود: «از بالا صدای ضعیف گام‌های پیانو به گوش می‌رسید که با انگشتان نامطمئن لنوچکا نواخته می‌شوند».

Анна Андреевна, <...>, воспитанная вполонину на романах и альбомах, вполонину на хлопотах в своей кладовой и девичьей.

آنا آندریفنا... تربیتش نیمی مدیون رمان‌ها و کتاب‌های مصور است و نیمی مدیون جوش و تقلایش در انبار و اتاق خدمتکاران (بازرس).

در این جمله از اسم «تربیتش» برای ترجمه صفت فعلی استفاده شده است و واژه «مدیون» در متن روسی وجود ندارد. می‌توان برای ترجمه آن طبق پیشنهاد پژوهش از جمله وابسته توضیحی استفاده کرد: «آنا آندریفنا... که نیمی از تربیتش بر اساس رمان‌ها و کتاب‌های مصور شکل گرفته و نیمی در انبار و اتاق خدمتکاران». در این صورت در ترجمه نیازی به اضافه کردن واژه‌ای خارج از متن مبدأ نیست.

Это топор, зажаренный вместо говядины.

به جای گوشت گاو، تیر پخته‌اید (همان).

جمله روسی مجهول است؛ ولی ترجمه با استفاده از جمله معلوم صورت گرفته است. بنابراین، ساختار و فضای متن روسی و فارسی متفاوت شده است. ترجمه پیشنهادی منطبق با پیشنهاد پژوهش به شرح مواردی است که آورده می‌شود: «این تبری است که به جای گوشت گاو، سرخ شده». بدیهی است استفاده از این دو جمله در یک موقعیت ارتباطی پیامدهای متفاوتی خواهد داشت. حال آنکه ترجمه باید واکنشی مشابه متن مبدأ در مخاطب ایجاد کند.

Так кончило свое земное поприще тихое и доброе существо, бог знает зачем выхваченное из родной почвы и тотчас же брошенное, как вырванное деревцо, корнями на солнце;

بدین سان موجودی از خاک زادگاهش بیرون کشیده شد و بلافاصله همچون برختی که از خاک بیرون آورده شود، افتاد و ریشه‌هایش رو به آسمان ماند (جنگ و صلح).

در این جمله دو عبارت صفت فعلی وجود دارد که با حرف ربط «و» با هم مرتبط شده‌اند و یک صفت فعلی که نقش وصفی دارد. ترجمه موجود با متن روسی منطبق نیست و ترجمه‌ای که با استناد به پیشنهاد پژوهش می‌توان جایگزین کرد، به این شکل است: «موجود آرام و دوست‌داشتنی این‌چنین راه زندگی خود را به پایان رساند: خدا می‌داند که چرا از خاک زادگاه بیرون کشیده شده و بلافاصله رها شده بود، مثل برختی بیرون کشیده شده از خاک با ریشه‌هایی رو به آسمان».

بررسی‌ها نشان دادند، در مواردی که در ترجمه‌های موجود آثار ادبی از جمله وابسته توضیحی با حرف ربط «که» برای ترجمه عبارت صفت فعلی استفاده نشده است، اگر طبق پیشنهاد پژوهش حاضر عمل کنیم، ترجمه دقیق‌تری خواهیم داشت. علاوه بر این، در پاره‌ای از موارد به جمله‌هایی برخورد کردیم که دارای ساختار نحوی پیچیده‌ای است و برای صفت فعلی معادلی در زبان فارسی در نظر گرفته نشده و حذف شده است. مثال:

... Марья Дмитриевне и Гелеоновокому, уже успевшим вернуться из сада.

.... برای ماریا دمیتریوونا و گیلدیونوفسکی که از باغ برگشته بودند ... (آشیانه اشراف).

در اینجا هر چند در ترجمه عبارت صفت فعلی از جمله وابسته توضیحی استفاده شده است؛ ولی عبارت صفت فعلی успевшим ترجمه نشده است. بنابراین، این ترجمه با متن مبدأ سنخیت بیشتری دارد: «... که موفق شده بودند از باغ برگردند». فعل успеть که این صفت فعلی در زبان روسی از آن ساخته شده، به معنی موفق شدن از لحاظ زمانی است. گفتنی است، در فرهنگ اوژگوف معنی دوم فعل успеть که با کاربرد آن در متون قدیمی مربوط می‌شود، عبارت است از: «достигнуть успеха» که دقیقاً به مفهوم موفق شدن است و وجود آن در ترجمه لازم و

ضروری است (Ожегов, 2010: 1234).

۵-۲. بررسی پیشنهاد پژوهش برای صفات فعلی با نقش وصفی

در ابتدا، به نمونه‌هایی از ترجمه آثار ادبی می‌پردازیم که در آن‌ها صفت فعلی با نقش وصفی با صفت در زبان فارسی معادل‌یابی شده است و با پیشنهاد تحقیق مطابقت دارد.

... подставив ей свою надушенную и **сияющую** лысину.

سری موی براق عطر آگین خود را پیش او فرو آورد ... (جنگ و صلح).

с робкими слезинками на **погасающих** глазах,

با اشک‌هایی که محبوبانه از چشمان بی‌فروغش جاری بود... (آشنیانه اشراف).

... робко коснулась **трепетавших** ноздрей Орланда ...

.... با کمی ترس پره‌های لرزان بینی اورلاندو را نوازش کرد (آشنیانه اشراف).

Отвечал, несколько не смутясь такою встречей, **вошедший** князь...

پرنس تازه‌وارد ... با صورتی پهن و رویی گشاده جواب داد... (جنگ و صلح).

Перед **раскрытым** окном красивого дома ...

جلو پنجره گشوده ساختمانی زیبا ... (آشنیانه اشراف).

И Лемм **уторопленным** шагом направился к воротам.

لم با گام‌های شتابان به سوی دروازه‌ای رفت ... (همان).

Те же и почтмейстер впопыхах, с **распечатанным** письмом в руке.

رئیس پست سراسیمه با نامه باز شده‌ای در دست (بازرس).

نمونه‌های زیادی در این سه اثر ادبی وجود دارند که در آن‌ها صفت فعلی با نقش وصفی از سوی یک صفت و یا عبارت وصفی ترجمه شده‌اند؛ اما مواردی هم هست که در ترجمه این دسته از صفات فعلی بر اساس پیشنهاد پژوهش عمل نشده و منجر می‌شود تا مترجم کلماتی را به متن مبدأ اضافه کند و یا به ساختار جمله پای‌بند نباشد. بررسی‌ها نشان دادند که می‌توان این موارد را با استفاده از پیشنهاد پژوهش حاضر اصلاح کرد. در ادامه، به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم.

Без сомнения, **проезжающий** чиновник захочет, прежде всего, осмотреть подведомственные вам богоугодные заведения.

مأموری که می‌آید بدون شک به مؤسسات خیریه زیر نظر شما هم سرکشی می‌کند (همان).

در این نمونه، معادل عبارت صفت فعلی **проезжающий** чиновник «مأموری که می‌آید» در نظر گرفته شده است که می‌توان به‌جای آن طبق پیشنهاد پژوهش از ترکیب وصفی «مأمور در

حال عبور» استفاده کرد. خواهیم داشت: «بدون شک، مأمور در حال عبور، قبل از هر چیز تمایل به بازدید از مؤسسات خیریه زیر نظر شما را خواهد داشت». صفت فعلی مذکور از فعل проезжать ساخته شده است و باید مفهوم عبور کردن - که در ریشه فعل هست - در ترجمه صفت فعلی منعکس شود.

Судья, попечитель богоугодных заведений, смотритель училищ и почтмейстер уходят и в дверях сталкиваются с возвращающимся квартирным.

قاضی، مسئول مؤسسات خیریه، سرپرست مدارس و رئیس پست بیرون می‌روند و در آستانه در به پلیسی برمی‌خورند که نزد شهردار باز می‌گردد (همان).

در اینجا به جای معادل возвращающимся квартирным در عبارت وصفی «پلیس در حال برگشت» استفاده کرد: «... در آستانه در به پلیس در حال برگشت بر می‌خورند». در این صورت، ترجمه دقیق‌تر خواهد بود و نیاز به اضافه کردن عبارت «نزد شهردار» نیست. ... с первым отходившим английским кораблем уплыл за море. ... با اولین کشتی بادبانی انگلیسی که آنجا را ترک می‌کرد پا به دریا گذاشت (آشیانه اشراف).

اگر در ترجمه جمله روسی بر اساس پیشنهاد پژوهش به جای جمله وابسته توضیحی برای ترجمه صفت فعلی отходившим از واژه «خروجی» استفاده کنیم سبب می‌شود فضای ترجمه با فضای متن اصلی یکسان شود «با اولین کشتی انگلیسی خروجی به دریا زد».

Он говорил на <...> французском языке <...> и с теми тихими, покровительственными интонациями, которые свойственны состаревшемуся в свете и при дворе значительному человеку. او به زبان فرانسه <...> سخن می‌گفت <...> لحن آرام و بزرگ‌منشانه بلندپایگانی را داشت که در محافل اعیان و دربار پیر شده بودند (جنگ و صلح).

بر اساس پیشنهاد تحقیق، بهتر است جمله به این صورت ترجمه شود: «... با لحن آرام و بزرگ‌منشانه‌ای که خاص بلندپایگان پیر شده در محافل اعیان و دربار بود».

За ним, у самого края сцены, Бобчинский и Добчинский с

устремившимися **движеньями** **рук друг к другу**, **разинутыми** **ртами** и **выпученными** **друг на друга** глазами.

پشت او، در گوشهٔ صحنه، بوبچینسکی و دوبچینسکی با دستانی که به سوی یکدیگر گرفته شده، با دهان باز و نگاه دریده به یکدیگر، قرار دارند (*بازرس*).

در این مثال، کلمهٔ «حرکت» در متن مبدأ وجود دارد که در ترجمه انعکاس پیدا نکرده است؛ ولی با استفاده از پیشنهاد پژوهش می‌توان ترجمه‌ای منطبق بر متن اصلی ارائه کرد که حتی از لحاظ متن فارسی هم روان‌تر است: «پشت او در گوشهٔ صحنه، بوبچینسکی و دوبچینسکی با حرکت جهت‌دار دستان به سمت یکدیگر، با دهان‌های باز و چشمان از حدقه درآمده به طرف هم قرار دارند».

Еще военный все-таки кажет из себя, а как наденет фрачишку — ну, точно муха с подрезанными крыльями.

حتی یک جوهرهایی به نظامی‌ها هم می‌خورد. کت فراق که بیوشد، عین مگسی می‌شود که بال‌هایش را بریده باشند (همان).

در این جمله نیز طبق پیشنهاد پژوهش می‌توان به جای استفاده از جملهٔ وابستهٔ توضیحی برای ترجمهٔ ترکیب وصفی подрезанными крыльями می‌توان از صفت مفعولی استفاده کرد: «...کت فراق که بیوشد، عین مگسی می‌شود با بال‌های بریده». در مثال‌های بررسی‌شده مواردی بودند که در آن‌ها صفت فعلی در نقش وصفی ترجمه نشده بود، برای مثال:

Произнесенные слова поражают как громом всех.

این سخنان مانند رعد و برق همه را برجا خشک می‌کند (همان).

بدیهی است که اگر بخواهیم ترجمهٔ دقیق‌تری از صفت فعلی داشته باشیم، باید طبق پیشنهاد پژوهش معادل «سخنان گفته‌شده» را برای صفت فعلی **Произнесенные** استفاده کنیم.

۵-۳. بررسی پیشنهاد پژوهش برای صفات فعلی اسم‌شده

در زبان روسی موارد بسیاری از صفات فعلی وجود دارد که به اسم تبدیل شده است و کارکرد اسمی یافته‌اند (Сызранова, 2015). در ادامه، به بررسی نمونه‌هایی از ترجمهٔ صفات فعلی اسم‌شدهٔ روسی در آثار ادبی مورد تحقیق می‌پردازیم. در جملاتی که آورده می‌شود معادل صفت

فعلی اسم‌شدهٔ زبان روسی، اسمی در زبان فارسی است.

Чем более **исполняющий** эту роль покажет чистосердечия, тем более он выиграет.

بازبگر این نقش هر چه خوش قلبی و سادگی بیشتری به خود بگیرد، موفق‌تر خواهد بود (بازرس).

Словом, всем **присутствовавшим** очень понравилось произведение молодого дилеганта;

خلاصه آنکه همهٔ **حاضران** از ساختهٔ هنرمند جوان و خودآموخته خوششان آمده بود (آشپانهٔ اشراف).

در ترجمه‌های بررسی‌شده از آثار ادبی نمونه‌هایی وجود داشتند که صفت فعلی اسم‌شده با استفاده از جملهٔ وابستهٔ توضیحی ترجمه‌شده. برای مثال:

Паншин любезно раскланялся со всеми **находившимися** в комнате, ...

پانشین مؤدبانه با همهٔ کسانی که در اتاق بودند تعظیمی رد و بدل کرد ... (همان).

این در حالی است که در این جمله معادل صفت فعلی **находившимися** می‌تواند اسم

«حاضران» باشد و انطباق ترجمه با متن اصلی بیشتر خواهد بود یا در نمونهٔ بعدی:

Он получил изрядное воспитание, учился в университете, но, **рожденный** в сословии бедном, рано понял необходимость проложить себе дорогу и набить денгю.

او تحصیلات شایسته‌ای داشت و در دانشگاه درس خوانده بود؛ ولی چون **اصل و نسبش** به طبقه‌ای فقیر می‌رسید، خیلی زود دریافت که باید راه خود را هموار کند و به پول و پله‌ای برسد (همان).

در این مثال، صفت فعلی اسم‌شدهٔ рожденный نقش نهاد جمله را ایفا می‌کند و بهتر است

در زبان فارسی به‌صورت اسم ترجمه شود. اگر از واژهٔ «مولد» برای ترجمهٔ صفت فعلی

рожденный استفاده کنیم، ترجمهٔ فارسی و روسی بسیار به‌هم نزدیک خواهند شد. خواهیم

داشت: «او تحصیلات شایسته‌ای داشت و در دانشگاه درس خوانده بود؛ اما مولود یک طبقهٔ فقیر،

خیلی زود دریافت که باید راه خود را هموار کند و به پول و پله‌ای برسد».

۵-۴. بررسی پیشنهاد پژوهش برای صفات فعلی با نقش گزاره‌ای

صفت فعلی به‌ویژه صفات فعلی مجهول زمان گذشته در زبان روسی می‌توانند نقش گزاره‌ای داشته و یا بخشی از گزاره مرکب باشند. برای بررسی شیوه ترجمه این‌گونه از صفات فعلی باید به ویژگی‌های معناشناختی آن‌ها توجه کرد. علیاری شوره‌دلی و اکبری در مقاله‌ای به شیوه ترجمه این‌گونه از صفات فعلی اشاره کرده‌اند (Алиязи шурехдели & Акбари, 2014).
در ادامه، به نمونه‌ای از ترجمه صفات فعلی در نقش گزاره‌ای اشاره می‌کنیم:

В эти две недели **высечена** унтер-офицерская **жена!**

در این دو هفته **زن** یک درجه‌دار را **شلاق زده‌اند** (بازرس).

Прохоров в частном доме, да только к делу не может быть **употреблен**.

پراخوروف خانه است، فقط الان به‌درد هیچ کاری **نمی‌خورد** (همان).

Да если спросят, отчего **не выстроена** **церковь** при богоугодном заведении, на которую год назад была **ассигнована** **сумма**, то не позабыть сказать...

اگر بپرسند که چرا ساخت **کلیسای** زیر نظر مؤسسات خیریه - که **پولش** را پنج سال پیش **فرستاده بودند** - **هنوز تمام نشده**، یادتان نرود بگویید... (همان).

در این مثال‌ها صفت فعلی به‌صورت فعل صرف‌شده ترجمه شده است که ماهیت گزاره خود را حفظ کرده است.

Бывший наставник удовольствовался тем, что влил целиком в своего воспитанника всю премудрость XVIII века, и он так и ходил **наполненный** ею.

مربی پیشین به همین اکتفا می‌کرد که کل حکمت قرن هجدهم را یکجا در کله شاگردش فرو کند (آشپزخانه اشرف).

در این مثال صفت فعلی بخشی از گزاره جمله محسوب می‌شود؛ اما در ترجمه معادلی برای آن در نظر گرفته نشده و حذف شده است. ترجمه پیشنهادی که در آن تمامی کلمات در متن مبدأ به متن مقصد منتقل شده‌اند، می‌تواند این‌گونه باشد: «مربی پیشین از همین راضی بود که کل حکمت قرن هجدهم را یکجا به شاگردش منتقل کرده است و او نیز سرشار از این حکمت زندگی می‌کرد».

۶. نتیجه

در این پژوهش سعی داشتیم تا با استفاده از شیوه پژوهش مقابله‌ای درستی این فرضیه را نشان دهیم که صفت فعلی زبان روسی می‌تواند به‌منزله یک واحد ترجمه به زبان فارسی در نظر گرفته شود و مترجم می‌تواند با توجه به نقش نحوی صفت فعلی در جمله، رویکردی قانونمند برای معادل‌یابی دقیق آن اتخاذ کند. با این هدف، پیشنهادهای برای ترجمه قانونمند صفات فعلی زبان روسی به زبان فارسی ارائه شد تا علاوه بر انتقال معنا، روح و حالت متن اصلی منتقل شود، ترجمه به‌دور از پیچیدگی باشد و واکنش مشابه متن مبدأ را در خواننده متن مقصد ایجاد کند. بررسی ۹۰ مثال از ترجمه صفات فعلی در جملات انتخاب‌شده از آثار ادبی نظیر *آشیانه اشراف* ایوان تورگنوف، *جنگ و صلح* لف تولستوی و *بازرس نیکولای گوگول* نشان داد که حدود ۵۰ درصد ترجمه‌ها مطابقت ۱۰۰ درصدی با متن روسی ندارند. تحلیل ترجمه‌های موجود و بررسی ترجمه‌پذیری طبق پیشنهاد تحقیق، کارآمد بودن پیشنهاد پژوهش حاضر در معادل‌یابی برای انواع مختلف صفات فعلی در زبان روسی را تأیید می‌کند. به این ترتیب که اگر صفت فعلی قبل از اسم قرار گرفته و نقش وصفی داشته باشد، می‌توان آن را با استفاده از ترکیبات وصفی ترجمه کرد. اگر در جمله‌ای عبارت صفت فعلی وجود داشته باشد، برای ترجمه آن می‌توان از جمله وابسته توضیحی با حرف ربط «که» در زبان فارسی استفاده کرد. برای ترجمه صفات فعلی اسم‌شده زبان روسی می‌توان از اسامی در زبان فارسی استفاده کرد و صفات فعلی که نقش گزاره‌ای دارند می‌توانند در زبان فارسی با استفاده از فرم صرف‌شده فعل معادل‌یابی شوند. بنابراین، فرضیه پژوهش تأیید می‌شود و صفت فعلی زبان روسی می‌تواند به‌منزله یک واحد ترجمه به زبان فارسی در نظر گرفته شود. با تعریف نقش نحوی صفات فعلی و استفاده از پیشنهادی که در این پژوهش برای ترجمه انواع مختلف صفات فعلی ارائه شده است می‌توان گامی در جهت استانداردسازی ترجمه برداشت و از دستاوردهای آن در ترجمه ماشینی و الکترونیکی بهره برد.

۷. پی‌نوشت‌ها

1. Межъязыковое взаимодействие (Interlanguage interaction)
2. контрастивное исследование (contrastive study)
3. единицы языка (units of language)
4. единицы перевода (units of translation)
5. Эквивалентность (equivalence)
6. взаимная переводимость (mutual translatability)
7. исходный текст (source text)
8. Причастие (participle)
9. отглагольные прилагательные (verbal adjectives)
10. гибридные глагольно-прилагательные формы (hybrid verb-adjective forms)
11. части речи (parts of speech)
12. именная форма глагола (The nominal form of the verb)
13. Залог (pledge)
14. вид (aspect)
15. неличные формы глагола (impersonal forms of the verb)
16. агглютинативные языки (agglutinative languages)
17. агглютинативность (agglutinativeness)
18. Ю. А. Рубинчик (Yu.A. Rubinchik)
19. Adabtation (Adabtation)
20. причастный оборот (participle clause)
21. субстантивированные причастия (Substantiated participles)

۸. منابع

- احمدی، میریلا و حسین شیخی (۱۳۸۷). «ترکیب‌های فعلی زبان روسی و نحوه بیان آن‌ها در زبان فارسی». *زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*. ش ۴۱. صص ۱-۱۶.
- امیرشجاعی، آناهیتا و محمدحسین قریشی (۱۳۹۵). «بررسی نشانه‌ای - فرهنگی و تغییر ایدئولوژی در ترجمه (بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی)؛ مطالعه موردی پیرمرد و دریا، اثر ارنست همینگوی». *زبان پژوهی*. ش ۱۹. صص ۷-۳۷.
- حق‌شناس، علی محمد و همکاران (۱۳۸۷). *دستور زبان فارسی*. تهران: مدرسه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- خانلری، پرویز (۱۳۸۸). *دستور زبان فارسی*. تهران: توس.
- خرمشاهی، بهالدین (۱۳۹۰). *ترجمه‌کاوی*. تهران: ناهید.

- زهرایی، حسن (۱۳۹۳). *دستور آموزشی زبان روسی*. تهران: سمت.
- سیفی، محمد (۱۳۸۴). *عبارت صفات فعلی روسی و مشکلات بیان آن‌ها در زبان فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته آموزش زبان روسی. دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
- غفاریان جمعه‌پور، غلامرضا (۱۳۸۳). *ساخت و کاربرد صفت مفعولی و تفاوت آن با اسم مفعول فعل در فارسی*. پایان‌نامه دکتری زبان‌شناسی. دانشگاه تربیت مدرس دانشکده علوم انسانی.
- قریب، عبدالعظیم و همکاران (۱۳۸۰). *دستور زبان فارسی پنج استاد*. تهران: سازمان انتشارات اشرف‌نیا.
- گوهری، حبیب (۱۳۹۲). «برخی پیامدهای نظریه ساخت اطلاع برای ترجمه». *جستارهای زبانی*. د. ۴. ش ۱ (۱۳). صص ۲۰۳-۲۲۴.
- لسانی، حسین (۱۳۸۲). «مقایسه صفات فعلی فاعلی و مفعولی در زبان روسی و فارسی». *پژوهش زبان‌های خارجی*. ش ۱۵. صص ۷۵-۸۴.
- ماندی، جرمی (۱۳۸۹). *درآمدی بر مطالعات ترجمه نظریه و کاربردها*. ترجمه الهه ستوده‌نما و فریده حق‌بین. تهران: علم.
- مرادی‌مقدم مصطفی و بهرام قنسولی (۱۳۹۱). «تطبیق ویژگی‌های متنی و فرامتنی در اقتباس: بررسی موردی ترجمه رمان *غرور و تعصب*». *جستارهای زبانی* د ۳. ش ۴. صص ۲۱۵-۲۳۴.
- منافی اناری، سالار (۱۳۸۳). «ترجمه‌ناپذیرها در شعر فارسی». *مجموعه مقالات ۲ هم‌اندیشی*. تهران: یلداقلم.
- ولی‌پور، علیرضا (۱۳۸۳). «اهمیت تطبیق معنایی و ساختاری کلمات در هنگام ترجمه و تألیف لغت‌نامه». *پژوهش‌های زبان‌های خارجی*. ش ۱۹. صص ۷۳-۹۲.
- Адамчик Н.В. (2011). *Самый полный курс русского языка*. Минск: Харвест.
- Александрова О.А. Блохина Н.А. (2016). «Перевод причастий с английского языка на русский». *Приоритетные научные направления: от теории к*

- практике. № 26-2. С. 7-11.
- Алияри Шорехдели М., Акбари ДЖ. (2014). «О семантико-грамматических свойствах результата в русском языке (в зеркале персидского языка)». *Исследовательский журнал русского языка и литературы* 1(4), 2014. С. 73-90.
 - Ахманова О. С. (2010). *Словарь Лингвистических Терминов*. Изд. 5-ое. М.: книжный дом.
 - Бархударов Л. С. (1975). *Язык и перевод (Вопросы общей и частной теории перевода)*. М: Международные отношения.
 - Валгина Н.С.(2001). *Активные процессы в современном русском языке*. Москва: Логос.
 - Гарбовский Н.К. (2007). *Теория перевода*. М: издательство Московского университета. 544 с.
 - Ещенко И. О, Бойчук И. В. и др. (2018). «Наука о человеке». *Гуманитарные исследования*. №3 (33). С. 56-61
 - Милославский И. Г. (1981). *Морфологические категории современного русского языка*. М: просвещение.
 - Ожегов С.И. (2010). *Толковый словарь русского языка*. 27-е издание. Москва: Мир и образование.
 - Осипова Л. И. (2010). *Морфология современного русского языка*. М: издательский центр «Академия». – 192 с.
 - Пулькина И.М. (1968). *Ученик русского языка*. 4-е издание. Москва: Высшая школа.
 - Розенталь Д. Э. (1967). *Справочник по правописанию и литературной правке*. Москва: Книга.
 - Рубинчик Ю. А. (2001). *Грамматика современного персидского литературного языка*. Москва: издательская фирма «Восточная литература»

РАН.

- Рустамова Т.З. (1989). *Проблема лексико-грамматических особенностей причастий и причастных оборотов в сопоставительно-типологическом плане на материале персидского и азербайджанского языков/автореферат диссертации/* Азербайджанский государственный университет им. С. М. Кирова.
- Сызранова Г.Ю. (2015). *Употребление субстантивированных причастий в современном русском языке //Дис...кандидата филологических наук. Пенза.291стр.*
- Тарасова М. А. (2011). «Проблемы интерпретации причастий в русских переводах современной англоязычной поэзии». *Преподаватель XXI век. №3-2. С.271-275.*
- Федоров А.В. (1983). *Искусство перевода и жизнь литературы. М. Издательство: Советский писатель. Ленинградское отделение.*
- Якобсон Р. (1985). *О лингвистических аспектах перевода // Якобсон Р. Избранные работы. М.: Прогресс.*

References:

- Adamchik, N.V. (2011). *The most comprehensive Russian language course*. Minsk: Harvest. [In Russian].
- Ahmadi, M. Sheikhi H. (2007). *Verbal adverbs of the Russian language and ways of their expression in the Persian language*. Pp: 1-17. <https://doi.org/10.22067/jls.v4i12.13196>. [In Persian].
- Akhmanova, O.S. (2010). *Dictionary of linguistic terms*. Ed. 5th. M. Book House .[In Russian].

- Alexandrova, O.A. & Blokhina N.A. (2016). "Translation of participles from English into Russian. *Priority research areas: from theory to practice*. No. 26-2. Pp: 7-11.[In Russian].
- Aliyari Shorehdeli, M. & Akbari J. (2014). "On the semantic-grammatical properties of the resultant in Russian (in the mirror of the Persian language). *Research Journal of Russian Language and Literature*. 1 (4), 2014. Pp: 73-90. [In Russian].
- Amir Shojaei, A. & Qureshi, M. H. (2016). " *A Study of culturally significant and ideological change in translation* (Based on Critical Discourse Analysis). *Language Studies*. No. 19. Pp:7-37.[In Persian].
- Barkhudarov, L.S. (1975). *Language and translation* (Questions of the general and particular theory of translation). M: International Relations. [In Russian].
- Fedorov, A.V. (1983) *The art of translation and the life of literature*. M. Publisher: "Soviet writer. Leningrad branch." [In Russian].
- Garbovsky, N.K. (2007). *Translation Theory*. M: Moscow University Press. 544 p. [In Russian].
- Ghafarian Jomehpour, Gh. (2004). *Construction and Use of the Adjective and its Difference with the Persian Noun*. PhD Dissertation. Tarbiat Modares University Faculty of Humanities. [In Persian].
- Gharib, Abdul Azim et al, (2001), *The Persian grammar of five masters*. 2nd edition. Tehran: Ashrafnia Publishing Organization. [In Persian].
- Gowhari, H. (2013). "On the implications of the theory of information structure for a translator". *Language Related Research*. Vol. 4. 1. (13). Pp:203-224. [In Persian].
- Haq Shenasi, A.M. et al. (2008) *Persian grammar*. Tehran: Madrese: Iran Textbook Publishing Company. [In Persian].
- Jakobson R. (1985). *On the linguistic aspects of translation // Jakobson R. Selected works*. M : Progress.
- Khanlari, P. (2009). *Persian grammar*. Tehran: Toos. [In Persian].
- Khorramshahi, B. (2011). *Deep study of translation*. Tehran: Nahid Publications. .

- [In Persian].
- Lesani, H. (2005). "Comparison of the participles in Russian and Persian languages". *Journal of Foreign Language Research*. No. 15.Pp:75-84. [In Persian].
 - Manafi Anari, Salar, (2004), *Untranslatable in Persian Poetry*. Tehran: Yalda ghalam Publications. [In Persian].
 - Miloslavsky, I.G. (1981). *Morphological categories of the modern Russian language*. M: Prosvishenie. [In Russian].
 - Mondi, J. (2010). *An introduction to translational studies: Theory and applications*. Elaheh Sotoudeh Nama, Farideh Haghbin / Tehran: Science. [In Persian].
 - Moradi Moghaddam, M. & Ghonsooly, B. (2013). "A comparison of local and global features in adaptation: A study of the translation of *Pride and Prejudice* Novel". *Language Related Research*. Vol. 3, Issue 4.Pp:215-234. [In Persian].
 - Osipova L.I. (2010). *Morphology of the modern Russian language*. M: Publishing Center "Academy".P:192. [In Russian].
 - Ozhegov S.I. (2010). *Explanatory dictionary of the Russian language*. 27th edition. Moscow: Peace and education. [In Russian].
 - Pulkina I.M. (1968). *Russian language textbook for foreign students*. edition 4-e. Moscow: High School. [In Russian].
 - Rosenthal D. E. (1967). *Handbook of spelling and literary editing*. Moscow: Book. . [In Russian].
 - Rubinchik Yu. A. (2001). *Grammar of the modern Persian language*. Moscow: publishing house "Eastern Literature" RAS. [In Russian].
 - Rustamova T.Z. (1989) *The problem of lexical and grammatical features of participles and participles in comparative typological terms based on the material of Persian and Azerbaijani languages / dissertation abstract / Azerbaijan State*

- University named after S. M. Kirov.[In Russian].
- Seifi, M. (2005). *Expression of Russian participles and Their Difficulties in Persian Language*. M A Thesis., Tarbiat Modares University, Tehran. [In Persian].
 - Syzranova, G.Yu. (2015). *The Use of Substantiated Participles in the Modern Russian language*. Phd Dissertation. Penza. 291 pages.[In Russian].
 - Tarasova, M. A. (2011). "Problems of interpreting participles in Russian translations of modern English-language poetry" *.Teacher of the XXI century*. No. 3-2. Pp: 271-275.[In Russian].
 - Valgina N.S. (2001) *Active processes in modern Russian*. Moscow: Logos. .[In Russian].
 - Valipour, A.R. (2004). "The importance of semantic and structural adaptation of words when translating and writing a dictionary". *Journal of Foreign Language Research*. No. 19.Pp:73-92. [In Persian].
 - Yeshenko I. O., Boychuk I.V. et al, (2018), "The science of human. *Humanitarian Research*. No. 3 (33).Pp:56-61 [In Russian].
 - Zahraei, H. (2014) *Educational grammar of Russian language*. Tehran: SAMT Publications. [In Persian].

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی